

 **10.30497/sj.2023.244330.1239**

*Bi-quarterly Scientific Journal of "Research Letter of Social Jurisprudence",
Vol. 11, No. 2 (Serial 22), Spring and Summer 2023*

Promotional Paper

The Jurisprudential Compulsions of Transitioning from One-Child Family Due to Population Increase Necessity

Ahmad Saberi Majd*
Farzaneh Karami**

Received: 10/12/2022

Accepted: 06/05/2023

Abstract

Undoubtedly, the population as a social capital plays a significant role in the development of societies. The decrease in the birth rate and the aging of the population, in addition to creating many difficulties in the strength and progress of societies, can endanger the existence of the family itself and cause irreparable harm to the mental health of children. One-child families suffer more emotional detachment, whereas families with several children enjoy a more loving and caring environment. Population decline is considered to be one of the serious problems facing some developing societies, including Islamic Iran, and there is a need to study it seriously. One of the most challenging topics in population reduction is the only-child problem. A jurisprudential investigation and reaching the related *Sharia* verdict can act as one of the effective factors in transitioning from only-child religious families and play a great role in increasing the population. This article aims to evaluate the jurisprudential foundations of the necessity of population increase and to clarify the jurisprudential ruling of one-child policy. The research method is descriptive-analytical with library and document assessment tools. The study of jurisprudential sources shows that neither the Quranic verses nor Traditions are explicit about the *Sharia* obligation of population increase, but according to jurisprudential rules of the benefits and harms of having only one child, it can be inferred that this family style is not permissible and a higher reproduction and increase of the population are considered to be compulsory.

Keywords

Only-Child Family, Childbearing Ruling, Population Increase Necessity, Principle of No Harm, System Disruption.

* PhD Student, Fiqh and Law, Tehran University, Farabi Campus, Qom, Iran
ahmadsaberimajd@gmail.com

** PhD Student, Private Law, Razavi University, Mashad, Iran (Corresponding Author),
f_karami91@yahoo.com

لزوم فقهی گذر از تک‌فرزندی در پرتوی ضرورت افزایش جمعیت

احمد صابری مجد*

فرزانه کریمی**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۶

نوع مقاله: ترویجی

چکیده

بدون تردید جمعیت به‌عنوان سرمایه اجتماعی نقش بسزایی در پیشرفت هر جامعه‌ای دارد. کاهش نرخ زادوولد و پیر شدن جمعیت افزون‌بر بروز مشکلات بسیار در زمینه اقتدار و پیشرفت جامعه، کیان خانواده را به خطر می‌اندازد و صدمات جبران‌ناپذیری به سلامت روحی و روانی فرزندان وارد می‌سازد. خانواده‌های تک‌فرزند از نظر عاطفی گسست بیشتری دارند و در مقابل، محیط خانواده‌های با چند فرزند، صمیمی‌تر و همراه با ابزاز عاطفه و مهرورزی بیشتر است. کاهش جمعیت یکی از مشکلات جدی پیش روی برخی از جوامع در حال پیشرفت از جمله ایران اسلامی به شمار می‌آید که ضرورت مطالعه جدی درباره آن وجود دارد. یکی از مباحث چالش‌برانگیز در مباحث کاهش جمعیت، مطالعه مسئله تک‌فرزندی است. بررسی فقهی و دستیابی به حکم شرعی این مسئله یکی از عوامل مؤثر گذار از تک‌فرزندی در خانواده‌های دینی است و نقش فراوانی را در افزایش جمعیت ایفا می‌کند. این نوشتار درصدد است مبانی فقهی ضرورت افزایش جمعیت را ارزیابی کند و حکم فقهی تک‌فرزندی را روشن سازد. روش تحقیق در این پژوهش به اعتبار ماهیت، توصیفی-تحلیلی و با روش سنجش کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری شده است. بررسی منابع فقهی نشان می‌دهد که آیات و روایات صراحتی در وجوب شرعی افزایش جمعیت ندارد، اما با توجه به قواعد فقهی و مبتنی بر مصالح و مفاسد و آسیب‌های تک‌فرزندی می‌توان به عدم جواز حکم کرد و تکثیر نسل و افزایش جمعیت را واجب دانست.

واژگان کلیدی

تک‌فرزندی؛ حکم فرزندآوری؛ وجوب افزایش جمعیت؛ قاعده لاضرر؛ اختلال نظام.

* دانشجوی دکتری، فقه و مبانی حقوق، دانشکده‌گان فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران.

ahmadsaberimajd@gmail.com

** دانشجوی دکتری، حقوق خصوصی، دانشگاه رضوی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول).

f_karami91@yahoo.com

مقدمه

جمعیت یکی از بنیان‌های اصلی جامعه شمرده می‌شود که عامل رشد، پویایی و بالندگی آن است و به‌عنوان متغیر اساسی در مسائل اجتماعی، فرهنگی، امنیتی، سیاسی و اقتصادی هر جامعه به شمار می‌آید. از این رو تحولات جمعیتی تقریباً تمام جنبه‌های زندگی انسان و جهان پیرامون را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یکی از مشکلات جوامع توسعه‌یافته و کم‌جمعیت، پیری و در نتیجه، نبود نشاط اقتصادی-اجتماعی در آن‌هاست. بدیهی است که رونق اقتصادی و پیشرفت فرهنگی به نیروی جوان وابسته است.

اتخاذ سیاست‌های اشتباه کاهش جمعیتی از سویی و فرهنگ سرمایه‌داری از سوی دیگر موجب شده است که جامعه ایران اسلامی با کاهش فرزندآوری مواجه شود و خانواده‌های فراوانی به یک فرزند بسنده کنند. در سبک زندگی امروزی، تک‌فرزندی به‌عنوان هنجاری پذیرفته شده در میان خانواده‌ها رو به افزایش است که خطر جدی برای کاهش جمعیت به شمار می‌آید. از آسیب‌های تک‌فرزندی می‌توان از ایجاد نگرش فردمحوری و کم‌رنگ شدن مفاهیم اخلاقی مانند ایثار و از خودگذشتگی نام برد. به‌طور کلی، خانواده‌های تک‌فرزند بیشتر در معرض آسیب‌های روحی، روانی، اخلاقی و اجتماعی قرار می‌گیرند. با توجه به نگاه ویژه آموزه‌های دینی به افزایش جمعیت و آسیب‌های تک‌فرزندی و ضررهای کاهش جمعیت ضروری است که حکم شرعی تک‌فرزندی مورد جست‌وجو قرار گیرد. هم‌اکنون این پرسش مطرح می‌شود که آیا امکان دارد با رجوع به منابع فقهی به عدم جواز تک‌فرزندی حکم کرد و تکثیر نسل را واجب دانست؟

۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های فراوانی در زمینه فرزندآوری و تک‌فرزندی صورت گرفته است، اما پژوهش مستقلی با عنوان حکم تک‌فرزندی در میان مقالات و آثار پژوهشی یافت نشد، بلکه این آثار بیشتر ناظر به مباحثی در خصوص آسیب‌های تک‌فرزندی با رویکرد فقه جامعه‌شناسی است. برای مثال، می‌توان به مقاله «آسیب‌شناسی‌های تک‌فرزندی در جامعه (با نگاهی به دستورات اسلامی)» نوشته علیزاده و همکاران، مقاله «تک‌فرزندی؛ مصداق سوءاستفاده از حق» نوشته جباری و صابریان و مقاله «آسیب‌شناسی

تک‌فرزندگی» نوشته صالحان اشاره کرد. همچنین، درباره فرزندآوری نیز مقالاتی به رشته تحریر درآمده است که برای مثال، می‌توان به مقاله «مشروعیت الزام به فرزندآوری در فقه امامیه» نوشته مظهر قراملکی و همکاران اشاره کرد. در این پژوهش، الزام به فرزندآوری از شئون حاکم دانسته شده است.

۲. آیات ترغیب‌کننده بر تکثیر نسل

تکثیر نسل در قرآن موضوع مسلم و مطلوبی است و به طرق مختلف به آن توصیه می‌شود. بعضی آیات در قرآن کثرت نسل را نعمت الهی برای پدر و مادر می‌داند. بعضی آیات، اشاره به درخواست انبیای الهی برای داشتن فرزند می‌کند که این درخواست و دعا، دلالت بر اهمیت و برکت فرزند در خانواده دارد. در آیاتی دیگر، خداوند از سقط جنین و کشتن فرزند به علت ترس از فقر نهی می‌کند. همچنین، قرآن کریم تکثیر نسل را ثمره و هدف ازدواج معرفی می‌کند. تمام این آیات بر افزایش فرزندآوری برای حفظ نظام خانواده دلالت دارد.

آیاتی کثرت فرزند را نعمت الهی و نوعی امداد خداوند نسبت به پدر و مادر می‌داند. نخستین این آیات در سوره نوح بیان شده است «وَأُيْمَدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ؛ و شما را با اموال و فرزندان یاری می‌کند» (نوح/۱۲). آیه دیگری که فرزند را نعمت معرفی می‌کند، آیه «وَأُمِدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا؛ شما را با اموال و فرزندان کمک کنیم و نفرات شما را بیشتر قرار دهیم» (اسراء/۶) است. دیگر آیه در این باره، در سوره شعراء است: «أَمْدَكُم بِأَنْعَامٍ وَبَنِينَ؛ او شما را با (بخشیدن) چهارپایان و فرزندان مدد کرده است» (شعراء/۱۳۳). «بنین» جمع «ابن» و اسم جمع در زبان عربی بر بیشتر از سه دلالت می‌کند. همچنین، مدد به معنای هر چیزی است که آدمی را در رسیدن به حاجتش کمک کند و اموال و فرزندان نزدیک‌ترین کمک‌های ابتدایی برای رسیدن جامعه انسانی به هدف‌های خویش است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص. ۴۵).

آیاتی در قرآن بشر را از کشتن فرزندان خود به علت ترس از فقر به شدت نهی کرده و آن را از گناهان بزرگ و خطایی نابخشودنی معرفی کرده است که از آن جمله، سوره انعام است که خداوند می‌فرماید «وَلَا قَتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ؛ فرزندان را از ترس تنگ‌دستی نکشید. ماییم که به شما و آنان روزی می‌دهیم» (انعام/۱۵۱).

همچنین آمده است «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْأً كَبِيرًا؛ فرزندان خود را از بیم تنگ‌دستی نکشید. این ما هستیم که آنان و شما را روزی می‌دهیم. یقیناً کشتن آنان گناهی است بزرگ!» (اسراء / ۳۱) و در آیه دیگر، کشتن اولاد، سفاهت و نادانی و خسارت بزرگ معرفی شده است «قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ حَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ؛ به یقین زیان کردند کسانی که فرزندان خود را سفیهانه و از روی جهل کشتند، و آنچه را خداوند روزی آنان ساخته بود با افترا بر خدا حرام کردند، آنان گمراه شدند و هدایت یافته نبودند» (انعام / ۱۴۰).

دیگر آیه‌ای که می‌توان به آن اشاره کرد، در سوره نور است که می‌فرماید «وَأَنْكَحُوا الْإِيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ پسران و دختران بی‌همسر و غلامان و کنیزان شایسته (ازدواج) خود را همسر دهید. اگر تنگ‌دست باشند، خداوند از فضل خود بی‌نیازشان می‌گرداند و خداوند، گشایشگر داناست» (نور / ۳۲). در تفسیر این آیه آمده است که پیامبر فرموده‌اند: چهار طایفه را خداوند لعن فرموده است و ملائکه آمین گفتند؛ کسی که تزویج نکند و خود را محصور کند برای اینکه اولاد پیدا نکند و زنی که خود را شبیه مردان کند و مردی که خود را شبیه زنان کند و... (حسینی شاه‌العظیمی، بی‌تا، ج ۹، ص ۲۴۲). همچنین، این آیه بیان می‌کند کسانی که از ترس فقر ازدواج نمی‌کنند، بدانند خداوند آن‌ها را بی‌نیاز می‌کند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۹، صص. ۴۵۹-۴۵۷). رزق و روزی به دست خداوند است؛ «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ» (ذاریات / ۵۸).

از این رو کسانی که با سقط جنین در مقام تحدید نسل برآمده‌اند، مرتکب تمام این گناهان یا بعضی از آن‌ها شده‌اند و کسانی هم که با پیشگیری از بارداری - بدون سقط جنین - به این کار اقدام کنند، گناه سوءظن به خداوند و دخالت در شئون الهی را مرتکب شده‌اند. این‌ها جملگی گمراهی و دشمنی آشکار است (صالح عثمان، ۱۴۰۰، صص. ۱۱۷-۱۱۵).

آیات دیگری که می‌توان به آن استناد کرد، عبارت است از آیاتی که بیان می‌دارد هدف اولیه از ازدواج حفظ نسل است «إِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَى فَانكِحُوا مَا طَاب

لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَ ثُلُثٌ وَ رُبْعٌ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُعَدِلُوا وَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا؛ و اگر می‌ترسید از اینکه به هنگام ازدواج با دختران یتیم (عدالت را رعایت نکنید)، از ازدواج با آنان چشم‌پوشی کنید و (با زنان پاک دیگر ازدواج کنید) دو یا سه یا چهار همسر و اگر می‌ترسید عدالت را (درباره همسران متعدد) رعایت نکنید، تنها یک همسر بگیرید یا از زنانی که مالک آن‌ها هستید، استفاده کنید. این کار بهتر از ظلم و ستم جلوگیری می‌کند» (نساء/۳).

مخالفتان تک‌فرزندی با استناد به آیات این چنین در قرآن کریم، بیان می‌کنند که یکی از فلسفه‌های مهم روا شمردن ازدواج با یک زن یا چهار زن و روا شمردن ازدواج‌های موقت در اسلام طبق آیات قرآن، همان زادوولد و تکثیر نسل است. چنان‌که می‌فرماید «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَاَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّىٰ شِئْتُمْ وَ قَدِمُوا لَنَفْسِكُمْ...؛ زنان شما، محل بذرافشانی شما هستند. پس هر زمان که بخواهید، می‌توانید با آن‌ها آمیزش کنید و سعی کنید از این فرصت بهره بگیرید با پرورش فرزندان صالح، اثر نیکی برای خود از پیش بفرستید...» (بقره/۲۲۳).

با توجه به معنای این آیه به دست می‌آید که نسبت زنان به جامعه انسانی نسبت کشتزار است. همان‌طور که کشتزار برای بقای بذر لازم است و اگر نباشد بذرها به‌کلی نابود می‌شود و دیگر غذایی برای حفظ حیات و بقای او نمی‌ماند، همچنین، اگر زنان نباشند نوع انسانی دوام نمی‌یابد و نسلش قطع می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص. ۳۱۹). با توجه به این آیه، امر به ازدواج و تناسل و دیگر دستوراتی که مربوط به زندگانی دنیوی است، به عبادت و ذکر خدا منتهی می‌شوند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص. ۳۲۰). معلوم است که غرض خدای سبحان از بقای نوع بشر در زمین، بقای دین او است. خداوند در قرآن می‌فرماید «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَ حَفَدَةً وَ رَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ أَلَّا فَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَ بِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ؛ خداوند برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد و از همسرانتان برای شما فرزندان و نوه‌هایی به وجود آورد و از پاکیزه‌ها به شما روزی داد. آیا به باطل ایمان می‌آورند و نعمت خدا را انکار می‌کنند؟» (نحل/۷۲).

فرزندآوری یکی از مهم‌ترین اهداف ازدواج است. از طریق ازدواج است که اجتماع

بشری و همکاری میان انسان‌ها شکل می‌گیرد و نظام خانواده تحقق می‌یابد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص. ۳۲۰).

خداوند در آیه دیگر بیان می‌کند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا؛ ای مردم! از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید. همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید و همسر او را نیز از جنس او خلق کرد و از آن دو، مردان و زنان فراوانی در روی زمین منتشر ساخت و از خدایی بپرهیزید که همگی به عظمت او معترف هستید و هنگامی که چیزی از یکدیگر می‌خواهید، نام او را می‌برید و نیز از قطع رابطه با خویشاوندان خود پرهیز کنید؛ زیرا خداوند مراقب شماست» (نساء/۱).

طبق این آیه، یکی از دلایلی که خداوند انسان را در دو جنس مذکر و مؤنث آفریده، ضرورت فرزندآوری، حفظ نسل و بقای انسان است. تمام موجودات بر اساس غریزه طبیعی برای حفظ نسل خود به تناسل مشغول هستند. انسان نیز افزون بر غریزه، بر مبنای فطرت و عقل به بقای نوع خود توجه دارد. این ضرورت از طریق ازدواج و فرزندآوری پاسخ داده می‌شود. بنابراین، هر اقدامی که از تناسل جلوگیری کند، مخالف فطرت انسان است.

به‌طورکلی در آموزه‌های دین اسلام، تولیدمثل و داشتن فرزندان متعدد بدون در نظر گرفتن موانع دیگر، پسندیده و مستحب است. برخی مفسران افزایش اولاد را موجب نیرو و قدرت و پیروزی بر دشمنان دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص. ۶۱۵). سیاست کنترل جمعیت و ترساندن مردم از بچه‌دار شدن به دلیل مشکلات اقتصادی و دیگر مشکلات، برخلاف آموزه‌های اسلامی است.

۳. آیات مربوط به عدم تکثیر نسل

از برخی آیات برداشت می‌شود که اگر وجود فرزندان زیاد باعث شود انسان از امور معنوی بازماند و از یاد خدا غافل شود، دیگر کثرت موالید، استجابی نخواهد داشت که به دو مورد از آن اشاره می‌شود.

«اعْلَمُوا أَنَّهَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ

كَمَثَلِ غَيْثٍ اَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ...؛ بدانید که زندگانی پست دنیا، چیزی جز بازی و سرگرمی و زینت‌طلبی و فخرفروشی در میان خود و افزون‌طلبی بر همدیگر در اموال و فرزندان نیست؛ مانند بارانی که گیاه آن، کشاورزان را به شگفتی وادارد...» (حدید/۲۰).

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال و اولادتان شما را از یاد خدا غافل نسازد و کسانی که چنین کنند، آنان همان زیان‌کاران‌اند» (منافقون/۹).

علامه طباطبایی (رحمت‌الله علیه) می‌فرماید منظور از الهای اموال و اولاد از ذکر خدا این است که اشتغال به مال و اولاد، انسان را از یاد خدا غافل کند؛ زیرا خاصیت زینت حیات دنیا همین است که آدمی را از توجه به خدای تعالی بازمی‌دارد و علت اینکه در این آیه شریفه، مال و اولاد را نهی کرده و فرموده است مال و اولادتان شما را از یاد خدا غافل نکند درحالی‌که باید می‌فرمود شما سرگرم مال و اولاد نشوید، این است که اشاره کند به این مطلب که طبع مال و اولاد این است که انسان را از یاد خدا غافل می‌سازد. پس مؤمنان نباید به آنها دل ببندند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۵۸۶).

آیات یادشده با آیات تکثیر نسل در تعارض نیست؛ زیرا تمام نعمت‌های دنیوی زمانی که باعث دل‌بستگی و دوری از یاد خداوند شود، مذموم است. باید از نعمت‌ها در مسیر درست استفاده کرد. اگر کثرت اولاد به عبادت و ذکر الهی منتهی شود، غرض الهی را در پی دارد؛ زیرا غرض خدای سبحان از بقای نوع بشر، بقای دین او است. ازدیاد نسل باعث تقویت دین الهی می‌شود. همچنین، در جمع این آیات و آیاتی که دلالت بر تکثیر نسل دارد، می‌توان چنین در نظر گرفت که گاهی اسباب و شرایط برای تربیت نسل و فرزندآوری فراهم نیست و شرایط سخت زندگی ممکن است باعث دوری انسان از خدا شود.

۴. روایات ترغیب‌کننده بر تکثیر نسل

روایات زیادی در منابع اصیل فقهی وجود دارد که دال بر تکثیر نسل هستند. شواهد روایی در چند دسته قرار داده می‌شود.

الف. روایاتی که بر مطلوبیت ازدواج، فرزندآوری و تکثیر نسل دلالت می‌کنند

در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) آمده است «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنِ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) أَكْثَرُ الْوَالِدِ أَكْثَرُ الْأُمَّمِ غَدَا»؛ ... رسول خدا فرمود بر تعداد فرزندان بیفزایید تا در روز قیامت به فزونی شما بر امت‌ها تفاخر کنم (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۳۵۷). پیامبر در این حدیث به صراحت و روشنی به ازدیاد نسل امر می‌کند. در سند این روایت، عده‌ای از احمد بن محمد نقل کرده‌اند که اگر منظور از این فرد، «احمد بن محمد بن خالد برقی» یا «احمد بن محمد بن عیسی قمی» باشد، هر دو مورد تأیید هستند (نجاشی، ۱۳۶۵، صص. ۷۷ و ۸۲). راوی دیگر این حدیث، «قاسم بن یحیی بن حسین بن راشد» است که شیخ صدوق زیارت امام حسین (علیه السلام) را که این شخص یکی از راویانش است، صحیح به شمار می‌آورد (خویی، بی‌تا، ج ۴، صص. ۵۶ و ۶۶). از دیگر راویان، «حسن بن راشد» است که شیخ طوسی او را ثقة می‌داند (طوسی، ۱۳۷۳، ص. ۳۷۵). راوی دیگر، «محمد بن مسلم» است که تعداد بسیاری از علما او را به عنوان یکی از اصحاب اجماع تأیید کرده‌اند (کشی، ۱۳۶۳، ص. ۲۳۸).

برخی افزایش نسل مسلمانان را برای زدودن بنای شرک و فساد از مهم‌ترین مقاصد شریعت می‌دانند^۱ (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۸۹؛ بوطی، ۱۴۱۲ق، ص. ۲۹۴) که تنها با تکثیر نسل که از اهم مصالح است، محقق می‌شود (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۱، ص. ۴۵). در اینجا ممکن است اشکالی وارد شود مبنی بر اینکه، اهتمام شریعت بر تکثیر نسل مسلمانان مختص به دورانی است که جمعیت مسلمانان نسبت به کفار بسیار کم بوده است و امروزه چنین اقتضایی وجود ندارد. در پاسخ این اشکال آورده‌اند که خطابات شریعت و سنت اسلامی مطلق و بدون هیچ قید و شرطی است (جهاندوست، ۱۳۹۱، ص. ۱۰۰) و از این رو شامل تمام دوران می‌شود.

امام علی (علیه السلام) فرمودند «ازدواج کنید؛ زیرا پیامبر (صلى الله عليه و آله) بارها فرمود کسی که دوست دارد از سنت من پیروی کند، باید ازدواج کند؛ همانا ازدواج جزو سنت من است و در طلب فرزند باشید. به درستی که من در روز قیامت به افزونی امت خود افتخار می‌کنم»^۲ (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۰۰، ص. ۲۱۸؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق،

ج ۲۰، ص ۱۵).

محقق کرکی اصل نکاح را به این علت که می‌تواند موجب تکثیر نسل و تولد فرزندان صالح شود، مستحب دانسته است (محقق ثانی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۹).
در مفاتیح‌الشرائع (فیض کاشانی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۲۳۲) و حقائق‌الناظره فی احکام‌العتره‌الطاهرة (بحرانی، بی‌تا، ج ۲۳، ص ۲۴۷)، تکثیر ولد به‌عنوان هدفی دینی مشخص شده است که اگر ازدواج با این هدف انجام شود، عبادت خواهد بود.
جابر بن جعفری می‌گوید امام باقر (علیه‌السلام) به نقل از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه و آله) فرمودند «چه چیز جلوگیر مؤمن شده است که برای خود همسری بر نمی‌گزیند. شاید خداوند فرزندی به او عنایت کند که روی زمین را بگفتن کلمه توحید "لا اله الا الله" سنگین کند»^۳ (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۸۲). محمد بن مسلم می‌گوید امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند «رسول خدا (صلی‌الله‌علیه و آله) فرموده است (مجرد زندگی نکنید) همسر اختیار کنید؛ زیرا من فردای قیامت به بسیاری شما مباحثات می‌کنم تا آنجا که جنین ناری که سقط شده است با کمال غضب به در بهشت آید و به او گویند وارد بهشت شو. گوید نه؛ تا پدر و مادرم پیش از من وارد شوند»^۴ (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۸۳).

در حدیث دیگری آمده است، از امام کاظم (علیه‌السلام) در نامه‌ای پرسیدم پنج سال است که از بچه‌دار شدن اجتناب می‌کنم؛ زیرا همسرم از این کار ناخشنود است و می‌گوید برای من تربیت و نگهداری فرزند با کمبود مالی مشکل است. شما چه می‌فرمایید؟ امام (علیه‌السلام) در پاسخ نوشت در پی فرزنددار شدن باش؛ زیرا روزی آن‌ها را خدا می‌دهد^۵ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، صص ۳، ۵، ۶ و ۴۸).

در روایاتی هم مجرد ماندن و ازدواج نکردن برای زن و مرد ناپسند دانسته شده است تا آنجا که عزب‌ها افرادی فرومایه معرفی شده‌اند^۶ (حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۴۱۵).

ب. روایاتی که به ازدواج با زنان زایا تشویق می‌کند و از ازدواج با زنان نازا نهی کرده است

در حدیثی از امام محمد باقر (علیه‌السلام) آمده است «الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (علیه‌السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی‌الله‌علیه و آله) تَزَوَّجُوا بِكُرًا وُلُودًا و لا تَزَوَّجُوا حُسْنًا جَمِيلَةً عَاقِرًا فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمُ الْاِمَمِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ پیامبر

فرمود با دختر باکره‌ای که فرزندآور است، ازدواج کنید و با زن نازای زیبا ازدواج نکنید؛ زیرا من به فزونی جمعیت شما در روز قیامت مباحثات می‌کنم» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص. ۳۳۳). کلمه «ولود» به معنای «کثیر الولاده» گرفته شده است؛ البته گفتنی است که «ولود» در دو معنا به کار گرفته می‌شود. ۱. زایا بودن زن یعنی قدرت و استعداد بر بچه‌دار شدن و ۲. کسی که صاحب فرزند زیاد می‌شود. شیوع لفظ «ولود» در معنای اول بیشتر است، اما ظاهراً به قرینه ذیل روایات دیگر - که در آن‌ها افزون‌بر لفظ «ولود» تعبیر به "مکاتر بکم‌الامم" آورده شده است. با توجه به اینکه مکاتر را در معنای کثرت گرفته‌اند، معنای دوم از سوی طرفداران افزایش جمعیت اخذ شده است (طلعتی، ۱۳۸۷، ص. ۹۵).

از نظر دلالتی، روایت به‌صراحت دلالت بر تکثیر نسل دارد، اما از نظر سندی، راوی اول آن «حسن‌بن‌محبوب» است که در رجال کشی از آن به‌عنوان یکی از اصحاب اجماع نام برده شده است (کشی، ۱۳۶۳، ص. ۵۵۶). راوی دوم آن، «علاء‌بن‌رزین» است که نجاشی او را ثقه می‌داند (نجاشی، ۱۳۶۵، ص. ۲۹۸). راوی سوم این روایت، «محمدبن‌مسلم» است که تعداد بسیاری از علما او را به‌عنوان یکی از اصحاب اجماع تأیید کرده‌اند (کشی، ۱۳۶۳، ص. ۲۳۸).

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله) فرمودند «خوب‌ترین زنان شما زنی است که بسیار فرزند آورد، بسیار دوستدار شوهر و فرزند باشد، از صفت باارزش پاک‌دامنی برخوردار باشد، در نزد قوم و قبیله‌اش سرفراز و باعزت و نسبت به شوهرش رام و مطیع باشد. فقط برای شوهر خود آرایش کند و نسبت به غیر شوهرش در قلعه عفت و حفظ دامن به سر برد. چون شوهر با او خلوت کرد به هر صورت که شوهر در لذت‌بری از او می‌خواهد، در اختیار شوهر باشد»^۷ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص. ۳۲۴).

ابوحزمه ثمالی از جابر بن عبدالله انصاری روایت کرده است که رسول خدا فرمودند «بدانید که زن زشت‌رویی که بزاید، نزد من محبوب‌تر است از زن خوش‌سیمایی که نازا باشد»^۸ (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص. ۳۹۲). از امام صادق (علیه‌السلام) نقل شده است «مردی نزد پیامبر آمد و گفت ای رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله)! دختر عمویی دارم که زیبایی و نیکویی و دین او را می‌پسندم، اما نازاست. ایشان فرمودند با او ازدواج نکن...

و باز حضرت فرمودند با سواء زاینده ازدواج کن، زیرا در روز قیامت من به کثرت شما امت افتخار می‌کنم. راوی می‌گوید به امام صادق (علیه‌السلام) عرض کردم سواء چیست؟ حضرت فرمودند یعنی زن زشت‌روی»^۹ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص. ۳۳۳).

در روایت دیگری امام‌باقر (علیه‌السلام) از قول پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) می‌فرماید «با زن باکره زاینده ازدواج کنید و با زن زیباروی نازا ازدواج نکنید؛ زیرا من به شما امت در روز قیامت مباحات می‌کنم»^{۱۰} (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۵۴، ص. ۲۰).

تشویق به ازدواج با «ولود» و بیان علتی که برای آن ذکر شده است (مباحات به فزونی جمعیت)، دلالت بر مطلوبیت فرزند زیاد دارد. از این روایات استفاده می‌شود در جایی که امر دایر است میان ازدواج با زن زشت‌روی زایا و زن زیبا اما نازا، حضرت زن زشت‌رو اما زایا را ترجیح داده‌اند که رجحان زن ولود بر زن زیباروی غیر ولود را بیان می‌دارد؛ یعنی اگر امر دایر بین ولود بودن و زیبا بودن زن غیر ولود باشد، پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه و آله) ولود بودن را ترجیح می‌دهند (کریمی، ۱۳۸۶، ص. ۲۸۱).

روایات مذمت زنان نازا در منابع به فراوانی وجود دارد؛ روایاتی که افراد بدون فرزند را بدون نتیجه می‌دانند. امام‌رضا (علیه‌السلام) در این باره می‌فرماید «خداوند زمانی که به بنده‌ای اراده خیر کند، او را نمی‌میراند تا فرزندانش را به او نشان دهد»^{۱۱} (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۰۱، ۹۱).

امام‌حسن عسگری (علیه‌السلام) درباره شخصی که فرزند نداشت، این‌گونه دعا کردند «خداوندا! او را فرزندی روزی فرما که پشتوانه او باشد؛ پس چه پشتوانه خوبی است فرزند. سپس فرمودند: کسی که فرزند دارد، به داد او خواهد رسید؛ همانا خوار کسی است که فرزندی ندارد»^{۱۲} (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص. ۳۶۱).

در نصوص نسبت به زادآوری ترغیب فراوان شده است و فرزندآوری مهم‌ترین هدف و کارکرد خانواده شمرده می‌شود (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹ق، ج ۲۳، صص. ۸۸-۷۳).

نزدیک‌ترین کمک‌های ابتدایی برای رسیدن جامعه انسانی به اهداف خویش، فرزندان هستند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص. ۴۵)؛ به‌طوری‌که فلسفه نکاح را افزایش نسل و جلوگیری از انقراض نسل به شمار می‌آورند. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص. ۹).

در جایی که موازنه جمعیت به ضرر اسلام و به نفع کفار است، نکاح و ازدیاد نسل

واجب است و همچنین، اگر به زیان شیعه باشد. برای مثال، در حواشی و اطراف کشور ما که اهل سنت زیاد هستند، به آن‌ها توصیه شده است که افزایش نسل داشته باشند درحالی که شیعیان را تشویق به فرزند کمتر می‌کنند. این باعث افزایش جمعیت اهل سنت می‌شود. در این صورت جلوی ازدیاد نسل را گرفتن جایز نیست؛ زیرا نباید موازنه جمعیت به ضرر شیعه به هم بخورد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ج ۱، ص. ۹). شکی نیست که راه درست حفظ نسل بشر، نکاح است و حفظ نسل مطلوب شارع و عقلاست. مطابق احادیث واردشده، حفظ نسل و ازدیاد آن، اصل و قانون است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ج ۱، ص. ۹).

روایات دیگری مؤید این هستند که از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) درباره عزل پرسیدند، حضرت فرمودند عزل کردن زنده به گور کردن و کشتن بچه به صورت پنهان است (علم الهدی، ۱۹۹۸م، ج ۲، ص. ۲۸۲).

در روایتی یعقوب جعفری می‌گوید از امام کاظم (علیه السلام) شنیدم که فرمود «در شش مورد عزل کردن جایز است؛ زنی که یقین دارد که بچه‌دار نمی‌شود، زن که نسل، زن سلیطه، زن بی‌حیا، زنی که بچه خود را شیر نمی‌دهد و کنیز»^{۱۳} (صدوق ۱۴۱۳، ج ۳، ص. ۴۴۳).

بین فقهای اسلامی در حکم عزل اختلاف است.

برخی از فقها عزل بدون رضایت زوجه را حرام می‌دانند^{۱۴}. برخی دیگر مانند علامه حلی در کتاب *تذکره الفقها* در باب نکاح، عزل را با این استدلال که موجب تقلیل نسل می‌شود درحالی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به تکثیر نسل تشویق کرده‌اند، مکروه دانسته است^{۱۵} (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ص. ۵۷۶).

با توجه به آنچه گفته شد، تکثیر نسل شرعاً مطلوب و شارع نیز به آن ترغیب کرده است.

اسحاق بن عمار در روایتی گوید «از امام کاظم (علیه السلام) درباره حکم زنی پرسیدم که به خاطر ترس از بارداری، دارویی می‌نوشد که سبب سقط جنین می‌شود، امام فرمود جایز نیست. گفتم آن نطفه‌ای بیش نیست. فرمود نطفه مبدأ خلقت آدمی است»^{۱۶} (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص. ۱۷۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹، ص. ۲۶). فتاوی

بسیاری از فقها هم حرمت عقیم‌سازی است (تبریزی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص. ۴۷۵؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ق، ص. ۲۴۱؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص. ۵۵).

۵. روایات مربوط به عدم تکثیر نسل

در مقابل این روایات، مرحوم مجلسی در کتاب شریف بحارالانوار، بابی را با عنوان «فضل التوسعه علی العیال و مدح قله العیال» به عائله کمتر اختصاص داده و روایاتی را درباره تشویق به داشتن عایله کمتر نقل کرده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. از امام رضا (علیه‌السلام) که از پدرش از جدش امام صادق (علیه‌السلام) نقل می‌کند که آن حضرت (علیه‌السلام) روزی در کوچه به صیادی برخوردند. از او پرسیدند بیشترین صیدی که به دام افتد، کدام قسم است؟ صیاد در پاسخ گفت پرنده‌گانی که جوجه دارند. حضرت از او گذشتند و فرمودند «بیچاره کسی است که عیالمند است»^{۱۷} (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۰۱، ص. ۷۲). می‌توان گفت این روایت در مقام ترحم و دلسوزی بر صاحب عیال است نه در مقام مذمت فراوانی عیال یا فزونی اولاد (خرازی، ۱۳۷۰، ص. ۵).

در روایتی از امام صادق (علیه‌السلام) آمده است «قَلَّةُ الْعِيَالِ أَحَدُ الْيَسَارِينِ؛ کمی نان‌خورها یکی از دو آسانی است» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص. ۴۱۶). وقتی آسایش به‌عنوان یکی از نتایج تعداد کم نان‌خورها و عیال آدمی معرفی می‌شود، افزایش جمعیت و فرزندان، مذموم و نقض‌کننده آسایش است.

در بررسی سندی این حدیث باید بگوییم که این حدیث با سه سند از شیخ صدوق روایت شده که دو تا از آن‌ها به‌خاطر وجود راویان توثیق‌نشده و مشکوک و مجهولی مانند قاسم بن یحیی، محمد بن هارون و عبدالله بن موسی یقطینی، ضعیف و تنها یکی‌شان شایان استناد است (علی محمدی، اکبرنژاد، و رضایی، ۱۳۹۶، ص. ۲۰۰).

اما درباره دلالت می‌گوییم

عیال در این روایات به معنی نان‌خور و در تحت عیلوله و مخارج انسان درآمدن است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص. ۴۸۸). چه‌بسا فرزندان که نان‌خور انسان نیستند و چه‌بسا عائل‌هایی که فرزند نیستند مانند خادم، زوجه یا برخی از اقوام و محارم که تحت تکفل انسان زندگی می‌کنند. بنابراین، نسبت میان عیال و فرزندان،

نسبت عموم و خصوص من وجه است و این دسته از روایات با روایاتی مقید می‌شوند که دلالت بر مطلوبیت ازدیاد فرزندآوری می‌کنند. از این رو مضمون این روایات با مطلوب بودن ازدیاد فرزند و تلاش برای خانواده و تحمل مشکلات تنافی ندارد (خرازی، ۱۳۷۰، ص. ۴۷).

به فرض هم که این روایات در مذمت کثرت فرزند باشد، به موردی حمل می‌شود که کثرت اولاد، انسان را از یاد خدا و پرداختن به خودسازی و امور آخرت غافل کند و مانع شود. اموال و اولاد فراوان انسان را از یاد خداوند غافل می‌سازد^{۱۸} (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص. ۱۴۱)، اما در صورتی که انسان به دلیل برخورداری از توانایی‌های جسمی-روحي و مالي، توان اداره فرزندان زیاد را داشته باشد، به خصوص در صورت تضعیف جمعیت مسلمانان، کثرت فرزندان نه تنها مذموم نیست، بلکه پسندیده و ممدوح است و در صورت اقلیت قرار گرفتن مسلمانان و کثرت دشمنان، ازدیاد نسل مسلمانان واجب می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ق، ج ۵، ص. ۶۲).

روایتی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است که فرمودند: خدایا! محمد و آل او و هرکس که محمد و آلش را دوست می‌دارد، عفت و کفاف روزی کن و در مقابل، کسانی که بغض محمد و آلش را در دل دارند، به کثرت مال و فرزند دچار کن^{۱۹}. این روایت می‌رساند که کثرت فرزند نکوهیده است؛ زیرا پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از خداوند متعال می‌خواهند که دشمنانشان را به کثرت فرزند دچار کند.

از بعضی روایات استفاده می‌شود که استیلا از برخی زنان از جمله زن دیوانه^{۲۰}، احمق^{۲۱} و زن مجوسی^{۲۲} مطلوب نیست و نیز عزل از کنیز زن بی‌حیا، زن فحاش و نیز زنی که فرزند خود را شیر نمی‌دهد، مانعی ندارد^{۲۳}. همچنین، در برخی روایات، آمیزش در اوقاتی خاص یا در شرایطی ویژه مکروه دانسته شده است^{۲۴} و به طور غیرمستقیم تکثیر نسل را تحت تأثیر قرار می‌دهد و آن را محدود می‌کند.

در جمع‌بندی این گونه می‌توان نتیجه گرفت احکام و قوانین اسلامی بر مدار مصالح حقیقیه شکل می‌گیرند. هر جا که سلامت جسمی و روانی نسل مورد تهدید واقع شود، تکثیر نسل در آنجا نه تنها پسندیده نیست، بلکه قبیح است. پاسخ دیگر اینکه، محل نزاع در موضوع مورد بحث، فرزند سالم است و به وجود آمدن نسل بیمار یا مجنون و ناقص از محل بحث بیرون است.

به ظاهر هیچ‌یک از فقها قائل به وجوب تکثیر نسل نشده‌اند. این موضوع از بررسی نظرها و فتاوی علما به روشنی به دست می‌آید؛ زیرا کسی در بین فریقین به‌عنوان اولی، حکم به وجوب نکاح نکرده و این در حالی است که اگر توالد واجب باشد، مسلماً نکاح نیز از باب مقدمه واجب، واجب شمرده می‌شود درحالی‌که با وجود کراهت ترک ازدواج، می‌توان ازدواج را ترک کرد یا بر فرض ازدواج، از بچه‌دار شدن به‌طور مطلق جلوگیری کرد. چنانچه درصدد باشیم تا حکم مسئله را از طریق اصول عملیه نیز به دست آوریم، روشن است که هرگاه شک در تکلیف در شبهات حکمیه بود، خواه شبهه حکمیه تحریمیه باشد یا وجوبه اصل برائت جاری می‌شود؛ زیرا شارع مقدس در برابر تکلیف مشکوک و واقعه مشکوک‌الحکم احتیاط را لازم نمی‌داند (مظفر، ۱۳۶۹، ج ۲، ص. ۱۶) و انسان را نسبت به فعل یا ترک آن مشکوک مختار گذاشته است. بنابراین، در هر واقعه مشکوک‌الحکم که حکم واقعی آن به ما نرسیده است و مکلف در آن شک می‌کند، قانون‌گذار یک حکم ظاهری جعل و وضع کرده که اباحه ظاهری یا رخصت است (فیض، ۱۳۶۹، ص. ۱۶۵).

از آنچه به‌عنوان ادله کثرت نسل آورده شد مانند تشویق به ازدواج با زن ولود، نهی از کشتن فرزندان و مطلوبیت استیلاد و تکثیر ولد، دانسته می‌شود حداکثر چیزی که به دست می‌آید، تشویق به اصل فرزند داشتن است نه مطلوبیت کثرت آن.

دیگر آنکه گفته شده است برخی آیات مانند آیاتی که نهی از کشتن فرزندان می‌کنند، در مقام بیان حرمت قتل نفسی هستند که به وجود آمده است و حیات دارد. از این رو هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای بر مطلوبیت ذاتی تکثیر نسل وجود ندارد و باید از طریق قواعد ثانویه این مسئله را حل کرد.

۶. قواعد حاکم بر عدم جواز تک‌فرزندی

۶-۱. قاعده لاضرر

قدمت این قاعده به قدمت تشریح اسلام بازمی‌گردد. افزون‌بر اینکه قاعده لاضرر، خود دلیل و مستند بسیاری از قواعد مسلم فقهی است (باقری، ۱۳۸۸، ص. ۲۳) مستندات این قاعده، آیات و روایاتی (بقره/۲۳۳؛ طلاق/۶؛ بقره/۲۸۲) است که از «ضرر و ضرار» مطلقاً نهی کرده است و چون نهی دلالت بر حرمت می‌کند، پس ضرر و ضرار، حرام و مستلزم

عذاب اخروی است (باقری، ۱۳۸۸، ص. ۲۴)

لغویان معانی متفاوتی برای ضرر آورده‌اند. برخی از آن‌ها، معنی ضرر را خلاف نفع و ضد نفع دانسته (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص. ۴۸۲) و برخی دیگر ضرر را نقص حق دانسته‌اند (طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص. ۳۷۳).

میرزای نایینی ضرر را هر لطمه و نقصانی در مال، جان، عرض و جایگاه افراد می‌داند، اما می‌گوید آنچه از ضرر متبادر به ذهن می‌شود، ضرر به مال و جان است نه ضرر به آبرو و منزلت فرد (نایینی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص. ۱۹۸). آیاتی که به‌عنوان مستند قاعده لاضرر بیان شد، به ضرر معنوی اشاره کرده و از آن نهی فرموده است. این آیات به‌نوعی مؤید نظر میرزای نایینی مبنی بر شمول معنای ضرر بر ضرر مادی و معنوی است.

برخی فقها معتقدند ضرر به معنای زیان زدن غیر عمدی و غیر ارادی است، اما ضرار در مقابل آن و ارادی و عمدی است (نایینی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص. ۱۹۹). برخی دیگر بیان می‌دارند که ضرار و ضرر هر دو به یک معنا هستند (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲۵، ص. ۳۸۱). حال اگر ضرر و ضرار را به یک معنا بدانیم، ضرار هم شامل ضرر معنوی و مادی خواهد شد؛ همان‌طور که در معنای ضرر بیان شد. بنابراین، لاضرر در بیان حضرت رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در جمله «لاضرر و لاضرار» را باید حمل بر تأکید لاضرر کرد.

برخی معتقدند «بررسی موارد استعمال واژه‌های ضرر و ضرار در منابع اسلامی نشان می‌دهد که «ضرر» شامل همه خسارت‌ها و زیان‌های وارد بر دیگری است، اما «ضرار» مربوط به مواردی است که شخص با استفاده از یک حق یا جواز شرعی به دیگری زیان وارد سازد که در اصطلاح امروزی از چنین مواردی به «سوءاستفاده از حق» تعبیر می‌شود». رسول اکرم سمره را «مضار» خواند؛ زیرا وی با استفاده از حق خود می‌خواست به صاحب منزل زیان وارد سازد (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص. ۱۴۱). بنابراین، از آنجاکه ضرار و ضرر به یک معنا هستند و هر دو شامل ضرر معنوی و مادی می‌شوند، پس ضرر رساندن به حقوق معنوی افراد از طریق استیفای حق خود می‌تواند تحت عنوان سوءاستفاده از حق قرار بگیرد که از آن نهی شده است.

از آنچه بیان شد، به دست می‌آید که یکی از مصادیق سوءاستفاده از حق خود و ضرر رساندن به حق معنوی دیگران، مسئله فرزندبسنده‌انگاری است؛ زیرا با کاهش جمعیت ضررهای زیادی به افراد، کانون خانواده و اجتماع وارد می‌شود که به برخی از این ضررهای مادی و معنوی اشاره می‌شود. انسان در فطرت خود به داشتن فرزند علاقه‌مند است. اگر کسی صاحب فرزند نشود؛ بدون شک دچار خلأ عاطفی می‌شود. از سوی دیگر، نتیجه خانواده‌های کم‌جمعیت، محدودیت دایره فامیلی و خویشاوندان است که منجر به سردی روابط و کم‌رنگ شدن صله رحم می‌شود. افزون‌براین، فرزندان خانواده‌های تک‌فرزند به‌رغم میلشان مجبورند والدینشان را هنگام پیری در خانه سالمندان نگهداری کنند؛ زیرا یک‌نفره از حل امور مربوط به نگهداری والدین برنمی‌آیند. در این صورت والدین ضربه عاطفی می‌خورند و دچار افسردگی و دلتنگی می‌شوند. فرزند نیز به دلیل بی‌توجهی به والدین و نداشتن زمینه برای ابراز عواطف و مهرورزی سنگ‌دل می‌شود. در این شرایط، فرزندان از لحاظ معنوی نیز محروم می‌شوند؛ زیرا نتوانسته‌اند بهره معنوی از ناحیه زندگی با پدر و مادر و خدمت به آنان ببرند. کاهش جمعیت بر اقتصاد خانواده نیز تأثیر می‌گذارد؛ زیرا در صورت کم‌تعداد شدن فرزندان، زمینه تولید ثروت توسط خانواده کم می‌شود. از سوی دیگر، جمعیت کم در خانواده‌ها اقتصاد ملی را نیز به خطر می‌اندازد؛ زیرا وقتی نیروی انسانی جوان کاهش یابد، چرخه اقتصاد کشور از لحاظ نابودی نیروی انسانی دچار مشکل جدی می‌شود. کاهش جمعیت باعث خطر هجوم دشمنان و ایجاد آسیب‌های اجتماعی می‌شود؛ زیرا با کاهش جمعیت، کشور مجبور است نیروی انسانی خود را از کشورهای دیگر تأمین کند و همین سبب ناامنی و مشکلات بسیار در کشور می‌شود (نظافت یزدی، بی‌تا، صص. ۷۰-۶۰).

بنابراین، بر مبنای قاعده لاضرر، همگان باید به فرزندآوری تشویق شوند و سیاست‌های محدود کردن جمعیت باید متوقف شود؛ زیرا تک‌فرزندی و عوارض سوء آن، تضعیف خانواده و نظام را به دنبال خواهد داشت که ضرری مهم است و تکثیر نسل تا جایی که افراد متضرر نشوند برای حمایت از کيان خانواده و تقویت نظام لازم است.

۲-۶. قاعده مصلحت

مصلحت از نظر عقل در پیروی از شرع، انجام دادن یا ترک عملی را الزام‌آور می‌کند.

بدین ترتیب، در فقه شیعه مصلحت تا در حد ضرورت نگنجد، نمی‌تواند مبنای حکم حکومتی قرار گیرد (عمید زنجانی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص. ۹۷). معیار بودن مصلحت در همه تصمیم‌گیری‌ها چه از ناحیه حاکم و چه افراد مؤمن تأکید شده است.

تک‌فرزندی در مقیاس کلان با عنوان «کنترل جمعیت» بحث می‌شود. در عصر حاضر، تک‌فرزندی در سطح کلان قبیح و مذموم است و سیاست‌ها و برنامه‌های دولت و الگوهای توسعه در مقیاس کلان باید به تکثیر نسل منجر شود. از جمله عنصر مصلحت در تکثیر نسل برای دستیابی به مصلحت، حفظ نظام و دفع مفسده است؛ زیرا تکثیر تعداد مسلمانان و افزایش شوکت و قوت آن‌ها از اهم مصالح است (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۱۱، ص. ۴۵)؛ زیرا فرزندبسنده‌انگاری در خانواده‌ها منجر می‌شود که هویت این فرزندان بر اساس آموزه‌های رسانه‌های مدرن شکل گیرد. بدین ترتیب، یکی از راه‌های حفظ نظام اسلامی با حفظ هویت اسلامی، افزایش ارتباط رحمی از طریق تکثیر نسل است.

حکومت اسلامی به مقتضای شرایط زمانی و مکانی، حفظ مصلحت جامعه و بر اساس احکام حکومتی خود، در برخی مسائل از جمله محدودیت یا فزونی نسل دخالت می‌کند. به فرمایش امام‌خمينی (رحمت‌الله علیه) کنترل موالید تابع تصمیم حکومت است (خمينی، بی‌تا، ج ۵، ص. ۱۸۳) و طبق نظر رهبر معظم انقلاب^{۲۵} کثرت جمعیت در عصر حاضر از اهم مصالح است.

افزون‌براین، سلطه‌گران با برنامه شیطان‌ی نابودی جمعیت مسلمانان به‌خصوص شیعیان از طریق تک‌فرزندی، تلاش می‌کنند تا کشورهای اسلامی ضعیف شوند^{۲۶}. پس در عصر کنونی، تمام هم‌مستولان در سطح کلان باید تکثیر نسل باشند.

بسیاری از مسائل مستحدثه را می‌توان تحت عنوان قاعده «عدم اختلال نظام» یا «ضرورت حفظ نظام» که قاعده‌ای لَبِّي (غیر لفظی) است (محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۲، ص. ۹۰) و به‌اجماع دلیل عقل و روایات ثابت شده است، قرار داد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ص. ۲۲۱) که از جمله آن‌ها مسئله تکثیر نسل است.

اختلال نظام را یکی از ادله حاکم بر دیگر احکام و مقررات اسلامی به شمار آورده‌اند و در هر موردی که حکمی از احکام اسلام موجب اختلال نظام شود، آن را منتفی و به‌عنوان حکم ثانوی بی‌اثر تلقی کرده‌اند (عمید زنجانی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص. ۱۶۰). از این‌رو آنچه فقهای شیعه - به‌ویژه حضرت امام‌خمينی (رحمت‌الله علیه) - بر

آن پای فشرده و به آن اهتمام خاص داشته‌اند، مقدم دانستن مصلحت حفظ نظام اسلامی و اصل شریعت بر مصالح دیگر است؛ چنان‌که موضع همه فقها در همه اعصار از آغاز تاریخ فقه تاکنون، همین بوده و هست.

مصلحت عمومی از سنجه‌های تردیدناپذیر ترجیح است و آن عملی که به مصلحت عمومی مسلمانان مربوط شود، بر کاری که فقط مصالح جزئی و شخصی را دربرگیرد، مقدم است. از نظر فقها، مصلحت عمومی معیار سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در عرصه عمومی تلقی می‌شود (انصاری، ۱۳۸۹، ص. ۱۶۳). به فرمایش اهل خبره، مصلحت عمومی اقتضای وجود جمعیت بیشتری از مسلمانان را دارد. از آنجاکه یکی از تدابیر حاکم اسلامی در اداره جامعه، تأمین احتیاجات مادی و تربیتی جامعه است، حاکم اسلامی می‌تواند در جایی که رشد جمعیت محل این وظیفه حاکمیتی است، به تنظیم و تحدید نسل اقدام کند (حکمت‌نیا، ۱۳۹۰، ص. ۲۶۷). حفظ نسل بشر از اضمحلال و تکثیر آن است که حفظ مملکت و ملت نمی‌شود مگر به آن واسطه (جعفریان، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص. ۱۹۹).

نتیجه کثرت نسل در نگاه نخست حفظ خانواده و در سطح کلان به نفع اجتماع است. حکم به عدم جواز این عمل خلاف قاعده و نیازمند نص صریح شارع یا دلیل قطعی است.

۷. آسیب‌های تک‌فرزندی و اختیارات حاکم

معمولاً در خانواده‌های تک‌فرزند، پدر و مادر از نظر عاطفی به‌شدت به او وابسته می‌شوند؛ به طوری که احساس می‌کنند باید همه خواسته‌های او را برآورده کنند. برآورده کردن این خواسته‌ها در برخی موارد به اندازه‌ای می‌رسد که والدین ناخواسته برای راضی کردنش به او باج می‌دهند. همین آموزه باج‌گیری در آینده کودک بسیار تأثیرگذار است. این توجه به مهم‌ترین عارضه تک‌فرزندی یعنی «فرزند سالاری» منجر می‌شود (ابهری، ۱۳۹۱، ص. ۳).

تک‌فرزندی در زمینه سلامت روانی کودک نیز تأثیرگذار است. این فرزندان به پدر و مادرشان وابستگی شدیدی می‌یابند (مک کین، ۱۳۸۴، ص. ۲۹) و هیچ بعید نیست که بر اثر وابستگی بیش از اندازه به آن‌ها، توانایی برقراری ارتباط با همسالانش را از دست بدهند. درعین‌حال، نبود کودکی دیگر با اختلاف سنی کم نسبت به آن‌ها در

خانواده سبب می‌شود زودتر بالغ و به‌سرعت وارد دنیای بزرگسالان شوند و همین ورود زودهنگام به دنیای بزرگان، آن‌ها را از دوران کودکی و کودکی کردن جدا می‌کند (شیرازی، ۱۳۸۷، ص. ۳).

در تک‌فرزندها به‌خاطر خالی بودن جای کودکی دیگر در خانواده، حسی ایجاد می‌شود که در اثر آن، فرزندان درک کاملی از سهم شدن و مشارکت اجتماعی نخواهند داشت و از بسیاری از فرصت‌های تربیتی که باید با حضور کودکی دیگر در آنان شکل بگیرد، محروم می‌شوند. بنابراین، برخی از احساسات را تجربه نمی‌کنند و فرصتی برای کنترل و مدیریت آن‌ها نمی‌یابند (امیری، ۱۳۸۷، ص. ۲۳).

بسیاری از والدین تک‌فرزندان، آن‌ها را مورد محبت و رسیدگی شدید یا سخت‌گیری و توقعات بیش از حد قرار می‌دهند. (شیرازی، ۱۳۸۷، ص. ۳). در والدین این فرزندان این انتظار پدید می‌آید که تنها فرزندشان در هر رقابتی پیروز میدان باشد، اما این انتظار، فرزند را مضطرب و پریشان می‌کند. اگر پدر و مادر در مراقبت از تک‌فرزند خود افراطی عمل کنند، او را فردی ضعیف و کم‌تحمل بار خواهند آورد و فرزندشان از دیگران نیز انتظار چنین رفتاری خواهد داشت. تمایل والدین به حمایت بی‌قیدوشرط از تنها فرزندشان، مانع از این می‌شود که فرزندشان متوجه این موضوع شود که هر اشتباهی عواقب خاص خود را دارد و در قبال این عواقب باید مسئولیت‌پذیر باشند. برای تک‌فرزندها، والدین تنها خویشاوند نزدیک شمرده می‌شوند و از آنجاکه خواهر یا برادری ندارند، در صورت فوت والدین به‌شدت تنها می‌شود و اگر دوستانی صمیمی برای پر کردن خلأ عاطفی پس از فوت والدین نداشته باشند، احتمال افسرده شدن آن‌ها زیاد می‌شود.

حال همین کودکان تک‌فرزند را در سنی در نظر بگیرید که عادتاً باید مستقل باشند. این افراد در این سن هم نمی‌توانند استقلال را کاملاً تجربه کنند. برای مثال، نمی‌توانند دور از والدین خود زندگی کنند یا عمدتاً میل به ازدواج در آن‌ها کمتر می‌شود یا پس از ازدواج هم وابسته به والدین خود خواهند بود و دوری از والدین زندگی آن‌ها را دچار اختلال می‌کند. این وابستگی شدید به خانواده، آن‌ها را از بسیاری حقوق و موقعیت‌هایشان که زندگی‌شان را بهبود می‌بخشد، دور می‌کند یا هنگامی که والدین به سن کهولت می‌رسند، این تک‌فرزند است که باید تمام بار مسئولیت نگهداری از والدین و رفع نیازهای آن‌ها را

یک‌تنه به دوش بکشد و این زندگی او را از روال عادی دور می‌کند و بدین سبب از بسیاری از حقوق دیگرش محروم می‌شود. درضمن، هنگام طلاق و جدایی والدین، تک‌فرزندان بیشتر تحت تأثیر مشکلات روانی قرار می‌گیرند (امیری، ۱۳۸۷، ص. ۲۳).

پس از بررسی فقهی و بیان مثال‌هایی از لطامات روحی و روانی تک‌فرزند، برای حفظ خانواده و نظام به‌خصوص در شرایط کنونی فرزندبسنده‌انگاری جایز نیست و حاکم اسلامی باید برای جلوگیری از کاهش جمعیت حکم حکومتی صادر کند تا با ضمانت اجراهای مناسب از افرادی که به گسترش نسل کمک می‌کنند، حمایت‌های ویژه داشته باشد و در راستای اعتلای این هدف گامی مؤثر بردارد.

در صورتی که تک‌فرزندی منافی با امنیت جامعه باشد، سفارش به افزایش نسل شده است. دعای حضرت زکریا و درخواست ذریه از خداوند نشانه اهمیت کثرت فرزند در حفظ کیان خانواده و اجتماع است. «هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ» در این هنگام زکریا (که این همه کرامت و مانده آسمانی را دید) پروردگارش را خواند و گفت پروردگارا! از جانب خود نسلی پاک و پسندیده به من عطا کن که همانا تو شنونده دعایی» (آل عمران/۳۸). ذریه در لغت به معنای فرزند و نسل و اسم جمع است. همین به دلالت التزامی دلیل بر مطلوبیت تکثیر در اولاد نزد انبیاست؛ زیرا لازمه نسل‌پروری، کثرت فرزندان در هر دوره فرزندپروری است. «و لِيُخْشِيَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوْا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَ لِيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا» و کسانی که اگر پس از خود فرزندان ناتوانی به یادگار بگذارند، بر (فقر آینده) آنان می‌ترسند، باید (از ستم درباره یتیمان مردم نیز) بترسند. از خداوند پروا کنند و سخنی استوار گویند» (نساء/۹). در این آیه ذریه ظهور در فرزند دارد.

اسلام همان‌طور که به کثرت اولاد ترغیب می‌کند، به تربیت آن‌ها نیز توجه دارد. امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید «فرزند صالح، گلی از گل‌های بهشت است» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص. ۳). اسلام رشد کمی و کیفی جمعیت را با هم مدنظر دارد. کثرت جمعیت و ازدیاد نفراتی که سبب عزت، شوکت، قدرت و افتخار شوند، مورد مباهات است و خانواده در سایه معیارهای فرهنگی موجود و شناخت ارزش‌ها در آن برای فرزندان مشخص می‌کند که چه چیزهایی مطلوب و شایسته و

چه چیزهایی نامطلوب است. توجه به رشد جمعیت همراه با تربیت صحیح فرزندان، باعث حفظ مادی و معنوی خانواده می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

آنچه می‌توان از مباحث گفته‌شده نتیجه گرفت، به شرح زیر است.

- رشد جمعیت مایه حیات و توسعه هر کشور است. با پایین آمدن بیش از حد نرخ رشد جمعیت و پیر شدن جمعیت، نرخ زادوولد پایین می‌آید و در آینده قادر به جبران آن نخواهند بود و باعث انحطاط اجتماعی و روند کاهشی جمعیت می‌شود. همچنین، کاهش جمعیت، مشکلات بسیاری در زمینه قدرت، اقتصاد، سیاست، سلامت خانواده‌ها و سلامت روحی-روانی فرزندان ایجاد می‌کند.
- تکثیر نسل در قرآن موضوعی مسلم و مطلوب است و به طرق مختلف به آن توصیه می‌کند. بعضی آیات در قرآن کثرت نسل را نعمت الهی برای پدر و مادر می‌داند. قرآن در بعضی آیات، اشاره به درخواست انبیای الهی برای داشتن فرزند می‌کند که این درخواست و دعا، دلالت بر اهمیت و برکت فرزند بر خانواده دارد. در آیاتی دیگر، خداوند از سقط جنین و کشتن فرزند به علت ترس از فقر نهی می‌کند. همچنین، قرآن کریم تکثیر نسل را ثمره و هدف ازدواج معرفی می‌کند. تمام این آیات بر افزایش فرزندآوری برای حفظ نظام خانواده دلالت دارد.
- روایات زیادی در منابع اصیل فقهی وجود دارد که دال بر تکثیر نسل برای حمایت از خانواده و اجتماع هستند از جمله روایاتی که بر مطلوبیت ازدواج، فرزندآوری و تکثیر نسل دلالت می‌کنند و روایاتی که به ازدواج با زنان زایا تشویق می‌کنند و از ازدواج با زنان نازا نهی می‌کنند.
- یکی از مصادیق سوءاستفاده از حق خود و ضرر رساندن به حق معنوی دیگران، مسئله فرزندبسنده‌انگاری است؛ زیرا با کاهش جمعیت ضررهای زیادی به افراد، کانون خانواده و اجتماع وارد می‌شود. بر مبنای قاعده لاضرر همگان باید به فرزندآوری تشویق شوند و سیاست‌های محدود کردن جمعیت متوقف شود؛ زیرا فرزندبسنده‌انگاری و عوارض سوء آن، تضعیف خانواده و نظام را به دنبال خواهد داشت که ضرری مهم است و تکثیر نسل تا جایی که افراد متضرر

- نشوند، برای حمایت از کیان خانواده و تقویت نظام لازم است.
- در عصر حاضر، تک‌فرزندی در سطح کلان قبیح و مذموم است و سیاست‌ها و برنامه‌های دولت و الگوهای توسعه در مقیاس کلان باید به تکثیر نسل منجر شود. فرزندبسنده‌انگاری در خانواده‌ها منجر می‌شود که هویت این فرزندان بر اساس آموزه‌های رسانه‌های مدرن شکل گیرد. بدین ترتیب، یکی از راه‌های حفظ نظام اسلامی با حفظ هویت اسلامی، افزایش ارتباط رحمی از طریق تکثیر نسل است.
- در این مقاله، پس از بررسی فقهی و بیان نمونه‌هایی از لطمات روحی و روانی تک‌فرزند معلوم شد برای حفظ خانواده و نظام در شرایط کنونی فرزندبسنده‌انگاری جایز نیست و حاکم اسلامی باید برای جلوگیری از کاهش جمعیت حکم حکومتی صادر کند.
- برای حل این مسئله موارد زیر پیشنهاد می‌شود.
۱. نهادهای نظام، تمهیدات لازم را برای تسهیل ازدواج جوانان، کاهش سن ازدواج و استحکام خانواده فراهم کنند.
 ۲. نرخ باروری متناسب با آموزه‌های اسلامی ارتقا یابد و به سیاست‌ها، برنامه‌ها و قوانین و مقررات حمایتی و تشویقی برای دستیابی به نرخ باروری مناسب، جمعیت مطلوب و لغو سیاست‌ها، برنامه‌ها و قوانین و مقررات مشوق کاهش باروری که همچنان در مراکز مشاوره ازدواج و ... دیده می‌شود، جامه عمل پوشاند.
 ۳. نگرش مسئولان و مردم نسبت به فواید باروری و افزایش نرخ آن اصلاح شود.
 ۴. الگوی سبک زندگی اسلامی-ایرانی و ترویج آن به‌ویژه فعالیت‌های اجتماعی، آموزشی و اشتغال زنان متناسب با معیارهای اسلامی و هماهنگ با مصالح خانواده برای ایفای هرچه کامل‌تر نقش مادری و همسری تدوین و اجرا شود.
 ۵. فواید فرزندآوری و تبیین آثار منفی کاهش نرخ باروری از طریق رسانه‌های جمعی به‌ویژه صداوسیما و شبکه‌های استانی ترویج شوند؛ زیرا مهم‌ترین ابزار برای تغییر سیاست‌های جمعیتی به شمار می‌آیند که می‌توانند به کار گرفته شوند.
 ۶. شعار فرزند بیشتر، آینده بهتر ترویج و فرهنگ‌سازی شود.

یادداشت‌ها

۱. ومن جهة اخرى من اهم المقاصد عند شارح الاسلام تكثر نسل المسلمين و عمارة الارض بيد مجتمع مسلم عمارة سالحة ترفع الشرك والفساد.
۲. «قال أمير المؤمنين (عليه السلام) تزوجوا فإن رسول الله (صلى الله عليه وآله) كثيراً ما كان يقول من كان يحب أن يتبع سنتي فليتزوج فإن من سنتي التزويج و اطلبوا الولد فأني أكثر بكم الأمم غداً».
۳. «عن جابر عن أبي جعفر محمد بن علي الباقر (عليه السلام) قال قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) ما يمنح المؤمن أن يتخذ أهلاً لعل الله أن يرزقه نسمة تثقل الأرض بلا إله إلا الله».
۴. «عن محمد بن مسلم أن أبا عبد الله (عليه السلام) قال إن رسول الله (صلى الله عليه وآله) قال تزوجوا فأني مكاتر بكم الأمم غداً في القيامة حتى إن السقط ليحيى محبطينا على باب الجنة فيقال له ادخل الجنة فيقول لا حتى يدخل أبواي الجنة قبلي».
۵. «عن بكر بن صالح قال كتبت إلى أبي الحسن (عليه السلام) أني اجتنبت طلب الولد منذ خمس سنين وذلك أن أهلي كرهت ذلك و قالت إنه يشتد على تربيتهم لقلّة الشيء فما ترى فكتب (عليه السلام) إلى اطلب الولد فإن الله عز و جل يرزقهم».
۶. «روى أن رسول الله (صلى الله عليه وآله) قال إن أرادل موتاكم العزاب».
۷. «جابر بن عبد الله يقول كنا عند النبي (صلى الله عليه وآله) فقال إن خير نسائكم الولود والودود والعفيفة العزيرة في أهلها الذليلة مع بعلمها المتبرجة مع زوجها الحصان على غيره التي تسمع قوله و تطيع أمره و إذا خلا بها بذلت له ما يريد منها و...».
۸. «قال (عليه السلام) اعلموا أن المرأة السوداء إذا كانت ولوداً أحب إلى من الحسناء العاقرة».
۹. «عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال جاء رجل إلى رسول الله (صلى الله عليه وآله) فقال يا نبي الله إن لي ابنة عم قد رضيت جمالها و حسنها و دينها و لكنها عاقرة فقال لا تزوجها إن يوسف بن يعقوب لقي أخاه فقال يا أخي كيف استطعت أن تتزوج النساء بعدى فقال إن أبي أمرني و قال إن استطعت أن تكون لك ذرية تثقل الأرض بالتسبيح فافعل قال فجاء رجل من الغد إلى النبي (صلى الله عليه وآله) و قال فقال له مثل ذلك فقال له تزوج سوءاً و لوداً فأني مكاتر بكم الأمم يوم القيامة قال فقلت لأبي عبد الله (عليه السلام) ما سوءاً قال القبيحة».
۱۰. «قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) تزوجوا بكرة و لوداً- و لا تزوجوا حسنة جميلة عاقراً- فأني أباهي بكم الأمم يوم القيامة».

۱۱. «عَنْ الرَّضَا (عليه السلام) قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِذَا أَرَادَ بَعْدَ خَيْرٍ لَمْ يُمْتَهُ حَتَّى يَرِيَهُ الْخَلْفَ».
۱۲. «قَالَ اللَّهُمَّ ارْزُقْهُ وَلِدًا يَكُونُ لَهُ عَضُدًا فَنِعْمَ الْعَضُدُ الْوَلَدُ ثُمَّ قَالَ مَنْ كَانَ ذَا وَلَدٍ يَدْرِكُ ظِلْمَتَهُ إِنَّ الدَّلِيلَ الَّذِي لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ».
۱۳. «عَنْ يَعْقُوبَ الْجَعْفِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ (عليه السلام) يَقُولُ لِبَاسٍ بِالْعَزْلِ فِي سِتَّةٍ وَجُوهِ الْمَرْأَةِ الَّتِي أُيْقِنَتْ أَنَّهَا لَا تَلِدُ وَالْمُسِنَّةَ وَالْمَرْأَةَ السَّلْبِيَّةَ وَالْبَدْيِيَّةَ وَالْمَرْأَةَ الَّتِي لَا تُرْضِعُ وَلَدَهَا وَالْأَمَةَ».
۱۴. شیخ مفید در المقنعة می گوید «و ليس لأحد أن يعزل الماء عن زوجة له حرة إلا أن ترضى منه بذلك» (مفید، ۱۴۱۳ق، ص. ۵۱۶).
۱۵. «لأن فيه تقليل النسل و قطع اللذة عن الموطوءة و النبي (صلى الله عليه و آله) حث على تعاطي اسباب الولد فقال تناكحوا تناسلوا تكثروا».
۱۶. «عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ (عليه السلام) الْمَرْأَةُ تَخَافُ الْحَبْلَ فَتَشْرَبُ الدَّوَاءَ فَتَلْقَى مَا فِي بَطْنِهَا فَقَالَ لَا فَقُلْتُ إِنَّمَا هُوَ نَطْفَةٌ قَالَ إِنْ أَوَّلَ مَا يَخْلُقُ نَطْفَةٌ».
۱۷. «عَنْ الرَّضَا (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ (عليه السلام) قَالَ مَرَّ جَعْفَرٌ (عليه السلام) بِصَيَّادٍ فَقَالَ يَا صَيَّادُ! أَيُّ شَيْءٍ أَكْثَرَ مَا يَقَعُ فِي شَبْكِكَ؟ قَالَ الطَّيْرُ الزَّاقُ قَالَ فَمَرُّهُ هُوَ يَقُولُ هَلَكَ صَاحِبُ الْعِيَالِ هَلَكَ صَاحِبُ الْعِيَالِ».
۱۸. «فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) إِنَّ مَا قُلَّ وَ كَفِيَ خَيْرٌ مِمَّا كَثُرَ وَ أَلْهَى اللَّهُمَّ ارْزُقْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ الْكَفَافَ».
۱۹. «قال رسول الله (صلى الله عليه و آله) اللهم ارزق محمد و آل محمد و من أحب محمد و آل محمد العفاف و الكفاف و ازرق من ابغض محمد و آل محمد كثرة المال و الولد» (ابن اشعث، بی تا، ص. ۱۸۳).
۲۰. «عن ابی جعفر (عليه السلام) قال سأله بعض اصحابنا عن الرجل المسلم - تغفيرة المرأة الحسناء - أ يصلح له ان يتزوجها و هي مجنونة قال لاء و لكن ان كانت عنده امه ملجونة فلا بأس بأن يطأها و لا يطلب ولدها» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص. ۸۵).
۲۱. «عن ابی عبدالله (عليه السلام) قال زوجوا الاحمق و لاتزوجوا الحمقاء فان الاحمق ینجب و الحمقاء لاتنجب» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص. ۸۲).
۲۲. «عن ابی جعفر (عليه السلام) قال سأله عن الرجل الميم يتزوج المجوسية فقال لا و لكن ان كان له امه مجوسية فلا بأس ان يطأها و يغزل عنها و لا يطلب ولدها» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص. ۱۵۱).

۲۳. «لابأس بالعزل فی سیئة وجوه المرأة التي تيقنت انها لاتلد و المثة و المرأة النبيلة و الیذیة و المرأة التي لا ترضع و الدها فی الامة (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۱۵۲) و ان لی جاریة فی خادمیا و ساتینا و انا اطوف علیها و انا اكره ان تحمل فقال اعزل عنها ان شئت» (نیشابوری، ۱۳۳۴، باب عزل).
۲۴. حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ابواب مقدمات النكاح، باب های ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۶، ۶۷، ۶۹ و ۷۰.
25. <http://farsi.khamenei.ir>.
26. <http://mouood.org>.

کتابنامه

- قرآن کریم.
- ابن اشعث، محمد بن محمد الجعفریات (بی تا). الاشعنیات. تهران: مکتبه النبویه الحدیثه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب (احمد فارس صاحب الجوائب، مصصح). بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- ابهری، مجید (۱۳۹۱). تکفر زندی و فرزند سالاری. هفتته نامه سلامت، شماره ۳۶۷.
- امیری، نسرین (۱۳۸۷). تکفر زندی خوب است یا بد؟. هفتته نامه سلامت، شماره ۲۱۱.
- انصاری، حمید (۱۳۸۹). دیدگاه امام خمینی (ره) در اعتبار ملاک مصلحت در فقه سیاسی اسلام (رساله دکتری فقه و حقوق دانشگاه تهران).
- باقری، احمد؛ و رنگین کمان، فاطمه (۱۳۸۸). سوء استفاده از حق. نامه الهیات، سال ۳، شماره ۶.
- بحرانی، یوسف (بی تا). حدائق الناخره فی احکام العترة الطاهره. قم: مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
- البوطی، محمد سعید رمضان (۱۴۱۲ق). ضوابط المصلحه فی الشریعه الاسلامیه. بیروت: الرساله.
- تبریزی، جواد بن علی (۱۳۸۵). استفتانات جدید. قم: سرور.
- جهاندوست، مسعود (۱۳۹۱). کنترل جمعیت در جوامع اسلامی از منظر فقه امامیه. بلاغ مبین، شماره های ۳۲ و ۳۳.
- جعفریان، رسول (۱۴۲۸ق). رسائل حجاییه. قم: دلیل ما.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد (بی تا). تفسیر اثنا عشری. تهران: انتشارات میقات.
- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۲۰ق). تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیه. قم: مؤسسه امام صادق (علیه السلام).

- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۴). *تذکره الفقهاء*. قم: مؤسسه آل‌البت (علیهم‌السلام). حکمت‌نیا، محمود (۱۳۹۰). *حقوق زن و خانواده*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- خرازی، سیدمحسن (۱۳۷۰). *کنترل جمعیت و عقیم‌سازی*. فصلنامه *فقه اهل‌بیت*، شماره ۲۱. خمینی موسوی، سیدروح‌الله (بی‌تا). *تحریر الوسیله*. قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
- خویی، ابوالقاسم (بی‌تا). *رجال‌الحديث*. بی‌جا: مؤسسه الخویی الاسلامیه.
- سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳ق). *مهذب الاحکام فی بیان الحلال والحرام*. چاپ ۴، قم: مؤسسه المنار.
- شیرازی، زنجانی، سیدموسی (۱۴۱۹). *کتاب نکاح*. قم: مؤسسه پژوهشی رأی‌پرداز.
- شیرازی، الهام (۱۳۸۷). *تک‌فرزندی*. فصلنامه *انجمن روان‌پزشکی کودک و نوجوان ایران*، شماره‌های ۸ و ۹.
- صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۴۱۷ق). *جامع الاحکام*. قم: حضرت معصومه (سلام‌الله علیها).
- صالح، عثمان (۱۴۰۰ق). *تحديد النسل: الترغيب في النکاح و بیان مقاصد البحوث الاسلامیه*، شماره ۵.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*. چاپ دوم، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). *تفسیر المیزان* (محمدباقر موسوی، مترجم). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
- طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ق). *مجمع‌البحرین* (سیداحمد حسینی، مصحح). چاپ ۳، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- طلعتی، محمدهادی (۱۳۸۷). *رشد جمعیت، تنظیم خانواده و سقط جنین*. قم: بوستان کتاب، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۷۳). *رجال طوسی*. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- علم‌الهدی، علی بن حسین (۱۹۹۸م). *غررالفوائد و دررالقلائد*. قاهره: دارالفکر العربی.
- علی محمدی، طاهره؛ اکبرنژاد، مهدی؛ و رضایی، سعیده (۱۳۹۶). *اعتبارسنجی سندی و تحلیل متنی روایات فرزندآوری*. *دوفصلنامه علمی-پژوهشی حدیث پژوهی*، شماره ۱۸.
- عمید زنجانی، عباس علی (۱۴۲۱ق). *فقه سیاسی*. تهران: امیرکبیر.
- عمید زنجانی، عباس علی (۱۳۸۴). *فقه سیاسی؛ قواعد فقه سیاسی - مصلحت*. تهران: امیرکبیر.
- فیض، علیرضا (۱۳۶۹). *مبایذ فقه و اصول*. قم: دارالفکر.

- فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی (۱۴۰۱). مفاتیح الشرایع. قم: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی (رحمت الله علیه).
- کریمی، زینب (۱۳۸۶). تنظیم خانواده و مبانی مشروعیت آن از دیدگاه علمای امامیه. مباحث بانوان شیعه، شماره‌های ۱۲ و ۱۳.
- کشی، محمدبن عمر (۱۳۳۳). اختیار معرفه الرجال. قم: مؤسسه آل‌البیت (علیهم السلام).
- کلینی، ابو جعفر محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی (علی اکبر غفاری، مصحح). چاپ ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۴۱۰ق). بحار الانوار. چاپ ۲، بیروت: مؤسسه الوفا.
- محقق ثانی، علی بن حسین عاملی کرکی (۱۴۱۴ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد (گروه پژوهش مؤسسه آل‌البیت (علیهم السلام)، مصحح). چاپ ۲، قم: مؤسسه آل‌البیت (علیهم السلام).
- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۴۰۶ق). قواعد فقه. چاپ ۱۲، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مظفر، محمدرضا (۱۳۶۹). اصول فقه (علی محمدی، مترجم و شارح). قم: دارالفکر.
- مفید، محمدبن محمدبن نعمان (۱۴۱۳). المقنعه. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- مک کبیر، بیل (۱۳۸۴). تأملی درباره خانواده تک‌فرزندی. سیاحت غرب، مقاله شماره ۳۲.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷ق). دائره المعارف فقه مقارن. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (علیه السلام).
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۸ق). احکام بانوان. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (علیه السلام).
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴ق). کتاب النکاح. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (علیه السلام).
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۹). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نایینی، میرزاحمد حسین غروی (۱۳۷۳ق). منیه الطالب فی حاشیه المکاسب (موسی بن محمد نجفی مرعشی، تقریر) تهران: المکتبه المحمديه.
- نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵). رجال نجاشی. قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
- نظافت یزدی، محمدجواد (بی تا). مادرانه؛ تأملی در مقام مادری و اهمیت فرزند. مشهد: مجتمع چاپ و نشر روزنامه قدس.
- نیشابوری، مسلم بن حجاج (۱۳۳۴). الجامع الصحیح. قاهره: مؤسسه العلیاعه لدرالتحریر.